



### دارکولیسم (Darkoliism) چیست؟

به انتخاب سردبیر

#### دارکولیسم درباره چیست؟

دارکولیسم مکتبی است که از مکاتب پیش از خود بهره‌های بسیاری گرفته و بر اساس اندیشه‌ی بزرگان ادبیات و فلسفه می‌خواهد رویکرد تازه‌ای به ادبیات بدهد. این مکتب اندیشه‌ی بسیاری از فیلسوفان از جمله زکریای رازی، خیام، ولتر، شوپنهاور، اسپینوزا، برتراند راسل، ژان پل سارتر و آلبر کامو را به کار گرفته است.

دارکولیسم با قانون هفتم خود می‌خواهد بگوید امروز ضروری است در انتقاد شجاع و بی‌پروا باشیم و به آسانی عملکرد اشخاص را مورد نقد و بررسی قرار دهیم، تا راهی به سوی حل مسائل کلان بشر بیابیم. مکتب ادبی دارکولیسم زندگی و شادی را زیباترین پدیده‌ی عالم هستی می‌شناسد و لازم می‌داند ادبیات با رویکرد هدفمند و تازه‌ای به زندگی انسان‌ها و نشان دادن گونه‌های مختلف آن بپردازد. از همین‌رو، زیباشناختی را به معنا و محتوا باز می‌گرداند.

مکتب ادبی دارکولیسم در قانون ششم خود تاکید کرده که نویسندگان دارکولیست آزاد هستند هر گونه متد نگارشی‌ای داشته باشند و قوانین دارکولیسم فقط به موضوع و محتوای آثار ادبی توجه دارد.

دارکولیسم (به فرانسه: Darkoliisme، به انگلیسی: Darkoliism) یا جنبش ادبیات متعهد، در سال ۲۰۱۵ توسط محمدرضا نظری دارکولی نویسنده و منتقد ادبی ایرانی و شاگردان، دوستان، همکاران و پیروان ادبیاتش در ایران و خارج از ایران شکل گرفت. محمدرضا نظری دارکولی در سال ۲۰۱۵ مانیفست یک جنبش ادبی به نگارش رساند

که ۱۰ قانون در خود داشت و به پیشنهاد دوستان و همکارانش نام دارکولی (Darkoli) بر آن نهاده شد که ضمن اشاره به ادبیات خاص محمدرضا نظری دارکولی، نام روستایی در شهرستان دلفان ایران است

که مردمی مهرپرست داشته است؛ زیرا قوانین جنبش دارکولی نیز گسترش مهرورزی میان انسان‌ها را دنبال می‌کند. پس از انتشار مانیفست جنبش (مکتب) دارکولی و در دسترس عموم قرار گرفتن آن، این جنبش از سوی پیروانش، مکتب ادبی دارکولیسم خوانده شد. قوانین دهگانه‌ی مکتب ادبی دارکولیسم به محتوای آثار ادبی می‌پردازد و در مقابل فرمالیسم روسی که زبان فیزیکی‌الیستی دارد با جدیت برخورد کرده است. دارکولیسم نقطه‌ی مقابل فرمالیسم است و می‌کوشد جایگاه ارزنده‌ای برای مسئولیت اجتماعی در ادبیات به وجود آورد.

**دارکولیسم زندگی و شادی را زیباترین پدیده‌ی عالم هستی می‌شناسد و لازم می‌داند ادبیات با رویکرد هدفمند و تازه‌ای به زندگی انسان‌ها و نشان دادن گونه‌های مختلف آن بپردازد. از همین‌رو، زیباشناختی را به معنا و محتوا باز می‌گرداند.**



وجدان جهانشمول است و همه‌جا وجدان با رسوم قبیله‌ای سازگاری دارد، در عین حال وجدان نیرویی مطمئن در مقابل شر است. همه‌ی آدم‌ها بر گردن همدیگر حق دارند. هیچ‌کسی به

تنهایی نمی‌تواند انسان باشد، بلکه انسان بودن ما وابسته به ارتباط وجودی‌مان با دیگران است. فرمالیست‌ها با توجه نهادن صرف به صورت زبانی کلمات و دوری جستن از معنا، گویی ارابه را جلوی اسب

بسته‌اند؛ از همین‌روی، قادر به هیچ‌گونه حرکت صحیحی نمی‌باشند.

Darkoliism انتخاب است و دل مشغولی هرمنوتیک دارد. در آثار دارکولیسمی، تعاون مبتنی بر تساوی همه‌ی قوانین وجود ندارد، بلکه متناسب موقعیت‌ها،

هرکدام از قوانین در اثر قالب می‌شوند و دیگر قوانین هم با ورودی پذیرفتنی و مناسب محتوای اثر، به وجه دارکولیسمی آن توان ظهور می‌بخشند. دارکولیسم در قانون چهارم مانیفست خود،

وجدان را بهترین تکیه‌گاه برای بشر معرفی می‌کند. این مکتب می‌گوید:

**همه‌ی آدم‌ها بر گردن همدیگر  
حق دارند. هیچ‌کسی به تنهایی  
نمی‌تواند انسان باشد، بلکه  
انسان بودن ما وابسته به ارتباط  
وجودی‌مان با دیگران است.**



## مانیفست دارکولیسم

پیشگفتار:

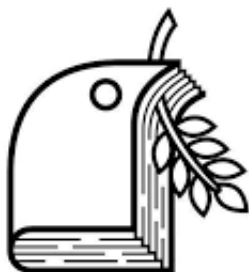
آرزوی همیشگی من این است که جهان خالی از جنگ و ظلم گردد. چنان که همه باهم دوست باشیم و تنهایی از میان برود. از این رو رمان مرگ همسایه را نوشتم و محرک جنبش ادبی دارکولی شدم. در اینجا از تمامی نویسندگان جهان خواهش می‌کنم به یاری این جنبش بیایند و با نگارش آثارشان این پیمان‌نامه را گسترش دهند! چون ادبیات به چنین پیمان‌نامه‌ای احتیاج دارد.

محمد رضا نظری دارکولی

ایران، تهران، بهار ۱۳۹۴ خورشیدی، برابر با ۲۰۱۵ میلادی.

پیمان‌نامه‌ی جنبش ادبی دارکولی شامل ده بند می‌شود که به شرح زیر هستند:

- ۱- خواهان تقویت و گسترش دوستی میان آدمیان، دوستی بشر با حیوانات و طبیعت.
- ۲- جهان وطنی.
- ۳- ضد نژادپرستی و تعصبات مذهبی.
- ۴- تکیه به وجدان.
- ۵- آزادی در بیان.
- ۶- آزادی در بکارگیری متدها و سبک‌های نگارشی.
- ۷- انتقاد شجاعانه.
- ۸- از خود گذشتگی.
- ۹- راستی‌خواهی.
- ۱۰- برابری آدم‌ها.



## Darkoliism

لوگو مکتب ادبی دارکولیسم

طراح لوگو: حسین ابراهیمی گل‌باغی.

شرح بندهای پیمان‌نامه‌ی جنبش ادبی دارکولی:

۱- خواهان تقویت و گسترش دوستی میان آدمیان، دوستی بشر با حیوانات و طبیعت.

جنبش ادبی دارکولی، تقویت و گسترش صلح جهانی را مهم‌ترین آرمان و هدف خود قرار داده است. جنبش ادبی دارکولی وضعیت کنونی جهان را ناآرام و تاسف برانگیز می‌داند. برای هرکسی روشن است که بزرگ‌ترین بحران بشر امروز، تنهایی است. تنهایی نیز در اثر کم‌رنگ شدن مهرورزی و دوستی به وجود می‌آید. جهان امروز پر از درگیری‌های فردی، قومی، سیاسی و عقیدتی است. جنگ تنها زمانی معنا نمی‌یابد که فردی به دیگری آسیب جسمانی برساند یا در اثر درگیری‌های تن به تن و گروهی، خونی ریخته شود، بلکه خودخواهی نیز نوعی جنگ با دیگران است! به واقع تمامی جنگ‌های بزرگ از خودخواهی برمی‌خیزند. جنبش ادبی دارکولی دنیایی بدون جنگ می‌خواهد. یعنی دنیایی که در آن



ادبی دارکولی تلاش دارد به همگان تذکر دهد که هرگونه تعصب مذهبی‌ای که منجر به درگیری میان دو گروه، یا انزوای گروهی هرچند کوچک و حتی یک نفر از مردم جهان شود، غیر انسانی و ناپاک است.

#### ۴ - تکیه به وجدان.

جنبش ادبی دارکولی عقیده دارد، وجدان، تنها محکمه‌ای است که احتیاج به قاضی ندارد. و وجدان را معیار سنجش نیکی‌ها و بدی‌ها قرار می‌دهد. نویسندگان دارکولی گرا هیچگاه نباید با معیارهای دیگری که میان انواع بشر شکاف می‌اندازند، برای نمونه سبک‌ها، دین‌ها، فلسفه‌ها و سنت‌های خاص قومی، به تحلیل درماندگی‌های مهم بشر پردازند و با بهره‌گیری از آنها اظهار نظر کنند. ما عقیده داریم، وجدان می‌تواند بهترین معیار برای سنجش درستی و نادرستی‌ها باشد.

#### ۵ - آزادی در بیان.

نویسندگان دارکولی گرا، آزادی قلم را همیشه برای خود پایدار می‌دانند و به آسانی درباره‌ی اشخاص، دولت‌ها، دین‌ها، اندیشه‌ها، گرایش‌ها و رسومات بزرگ مردم جهان می‌نویسند. جنبش ادبی دارکولی در راه بیان حقیقت از هیچ مانع و نیروی مخالفی نمی‌هراسد و نویسندگان دارکولی گرا به آسانی نگارش نام خود بر پاکت پست، نام اشخاص مهم جهان را در کتاب‌هایشان ذکر می‌کنند. جنبش ادبی دارکولی در بیان هرگونه موضوعی که به گسترش صلح جهانی و بازپس‌گیری حقوق پایمال شده‌ی محرومان جهان از گروه‌های مستبد کمکی نماید، آزاد است.

خودخواهی نباشد، دیگر گریزی و دیگر ستیزی نباشد؛ در مقابل، دنیایی سرشار از مهرورزی، دیگر دوستی و دیگرخواهی باشد. نویسندگان جنبش ادبی دارکولی برای گسترش صلح جهانی می‌نویسند. از جنگ‌ها و دیگرآزاری‌ها انتقاد می‌کنند و با نگارش خود تلاش می‌نمایند بر اندیشه و رفتار مردم جهان تاثیر بگذارند؛ تا رفته‌رفته مهرورزی و صلح جهانی گسترش یابد. جنبش ادبی دارکولی، همچنین آسیب رساندن بشر به طبیعت و دیگر جانداران وحشی را ناشایست و خلاف خواستگاه وجودی او می‌داند؛ به همین سبب نویسندگان این جنبش در آثارشان، دوستی بشر با حیوانات و طبیعت را تبلیغ می‌کنند.

#### ۲- جهان‌وطنی.

نویسندگان جنبش ادبی دارکولی در هر نقطه‌ای از دنیا که باشند خود را محدود به جغرافیای خاصی از جهان نمی‌دانند و سراسر جهان را وطن زادگاه خودشان می‌شناسند؛ تمامی نقاط جهان را به یک میزان دوست دارند و در آثارشان درباره‌ی هرکجای دنیا که لازم باشد سخن می‌گویند و خود را زبانی می‌دانند که وظیفه دارد پیام‌های مردم جهان را با صدای بلند بیان کند.

#### ۳ - ضد نژاد پرستی و تعصبات مذهبی.

جنبش ادبی دارکولی هرگونه نژادپرستی و تعصبات خطرناک مذهبی را ناشایست و به دور از ارزش‌های زیبای انسانی می‌داند. جنبش ادبی دارکولی همه‌ی انسان‌های دنیا را با رنگ‌ها، نژادها، وضعیت‌ها و دین‌های گوناگونشان، با هم برابر و محترم می‌داند. نویسندگان این جنبش در آثارشان نژاد پرستی‌ها را محکوم کرده و غیر انسانی نمایش می‌دهند. جنبش



## ۶- آزادی در بکارگیری متدها و سبک‌های نگارشی.

جنبش ادبی دارکولی با هدف گسترش اندیشه‌های دیگر دوستی، مهرورزی، از خودگذشتگی، عدالت‌خواهی، جهان‌وطنی، آزادی‌بیان و راستی‌خواهی میان مردم جهان به وجود آمده است. این جنبش برای جهت‌دهی به جهان‌نگری نویسندگان در تعیین پیام و درونمایه‌ی آثارشان فعالیت می‌کند. از اینرو نویسندگان جنبش ادبی دارکولی در بکارگیری متدها و سبک‌های نگارشی گذشته، حال و آینده آزاد هستند. برای نمونه، کسانی که به روش سیال ذهن یا سوررئال و هر گونه‌ی ادبی دیگری نگارش می‌کنند، می‌توانند با پذیرش پیمان‌نامه‌ی جنبش ادبی دارکولی، روش نگارشی خود را به خدمت این پیمان‌نامه درآورند. جنبش ادبی دارکولی از تمامی سبک‌ها و روش‌های نگارشی گذشته، حال و آینده بهره می‌گیرد و پیمان‌نامه‌ی این جنبش تنها مربوط به موضوع و پیام کتاب‌ها است.

## ۷- انتقاد شجاعانه.

نویسندگان دارکولی‌گرا در انتقاد بی‌پروا هستند. یکی از روش‌های ویژه‌ی جنبش ادبی دارکولی در انتقاد از کنش‌های نادرست بشر، این است که نام دقیق اشخاص را در کتاب‌ها ذکر می‌کند و با زیرکی تمام، حین انتقاد از آنها، دشنام‌نارشان می‌نماید. نویسندگان جنبش ادبی دارکولی هنگام انتقاد از شخصیت‌های نادرست، آزاد هستند به آنها دشنام بدهند. ما برای دفاع از حقیقت، عدالت و حقوق بشر، بددهانی هم می‌کنیم. چراکه می‌خواهیم دیکتاتورها و

جنایت‌کاران بزرگ، که به سبب در دست داشتن قدرت و امکانات تبلیغاتی، از خود چهره‌های بی‌آزاری می‌سازند و توده‌ی مردم نیز ناآگاهانه فریب می‌خورند را به آسانی نگارش یک کتاب مورد انتقاد قرار دهیم و روسیاهشان کنیم. نویسندگان جنبش ادبی دارکولی خود را قربانی بهتر شدن جهان می‌کنند. جنبش ادبی دارکولی عقیده دارد ادبیات باید بی‌پروا تر سخن بگوید. در رمان مرگ‌همسایه که سرآغاز جنبش ادبی دارکولی است، می‌توانید بندهای پیمان‌نامه‌ی جنبش ادبی دارکولی را اجرا شده ببینید. در این رمان هری ترومن، رییس جمهور وقت آمریکا، زمانی که این کشور به ژاپن حمله‌ی اتمی کرد، مورد انتقاد شدید قرار گرفته است. در جایی از رمان می‌بینید: ... «سیاست چقدر کثیف است! رئیس جمهور یک ملت در حالی که نیمی از حواسش به خانه رفتن است فرمان یک جنگ را صادر می‌کند. هیچ فکرش را هم مشغول نمی‌کند چه شمار آدم‌های بی‌گناهی کشتار می‌شوند. پس از صدور فرمان هم فرماندهان جنگ بی‌درنگ انجام وظیفه می‌کنند، بدون هیچ درک و درایتی از پیامدهای آن؛ یا اگر آگاهی هم داشته باشند بی‌توجه به آن، فقط دستور را اجرا می‌کنند.»... ( رجوع کنید به رمان مرگ‌همسایه، محمدرضا نظری دارکولی، انتشارات شرکت کتاب لس آنجلس ۲۰۱۴).

## ۸- از خودگذشتگی.

جنبش ادبی دارکولی عقیده دارد که راز گسترش و پایداری دوستی وجود روحیه‌ی از خود گذشتگی است. چرا که فرهنگ‌ها، باورها، سلاقی و سطح آگاهی مردم گوناگون است. از اینرو لازم است برای برقراری



برخواسته است و می‌خواهد از این مردمان محروم دفاع کند. جهان باید به سوی تعادل برود! نویسندگان دارکولی‌گرا برای دفاع از حقوق انسانی مردم محروم جهان داستان و رمان می‌نویسند و زندگی ناگوارشان را به تصویر می‌کشاند تا شاید جهانیان شرمشان بگیرد و به یاد آورند که تمامی انواع بشر با هم برابر هستیم و اعضای یک خانواده‌ایم. باید کسانی که نمی‌دانند را بیاموزیم، همه‌ی آدم‌ها بر گردن همدیگر حق دارند.

جنبش ادبی دارکولی می‌خواهد شعر معروف سعدی شیرازی، شاعر بزرگ ایرانی را به مردم جهان گوشزد کند.

#### سعدی بزرگ می‌گوید:

بنی آدم اعضای یک پیکرند / که در آفرینش ز یک گوهرند  
 چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار  
 تو کز محنت دیگران بی‌غمی / نشاید که نامت نهند آدمی

تذکر: پیمان‌نامه‌ی جنبش ادبی دارکولی در ده بند بالا بسته شده است. رمان مرگ‌همسایه را جهت رسمیت یافتن این پیمان‌نامه، برای نویسندگان و منتقدان ادبی گرامی نوشته‌ام که ده بند پیمان‌نامه در آن رعایت شده و به واقع این رمان سرآغاز جنبش ادبی دارکولی است. این رمان توسط انتشارات شرکت کتاب لس آنجلس منتشر شده است.

با آرزوی آسایش و صلح پایدار برای مردم جهان!

محمد رضا نظری دارکولی.

ایران، تهران - بهار ۱۳۹۴ خورشیدی برابر با ۲۰۱۵ میلادی.

منبع: وبسایت رسمی کافه کتاب

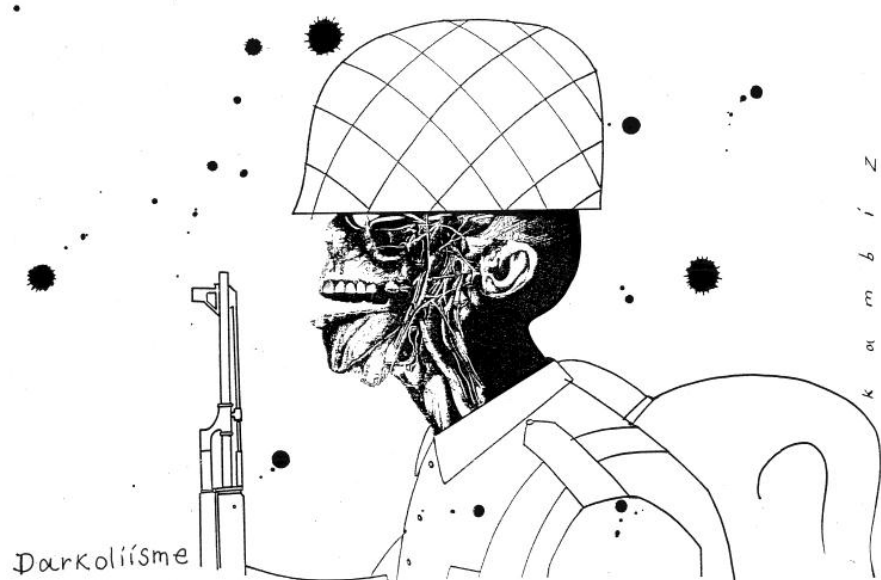
و پایداری دوستی یاد بگیریم از خودگذشتگی کنیم. نویسندگان جنبش ادبی دارکولی از خودگذشتگی را بسیار مهم می‌دانند و در آثارشان اهمیت بالای آن را نمایش می‌دهند.

#### ۹ - راستی خواهی .

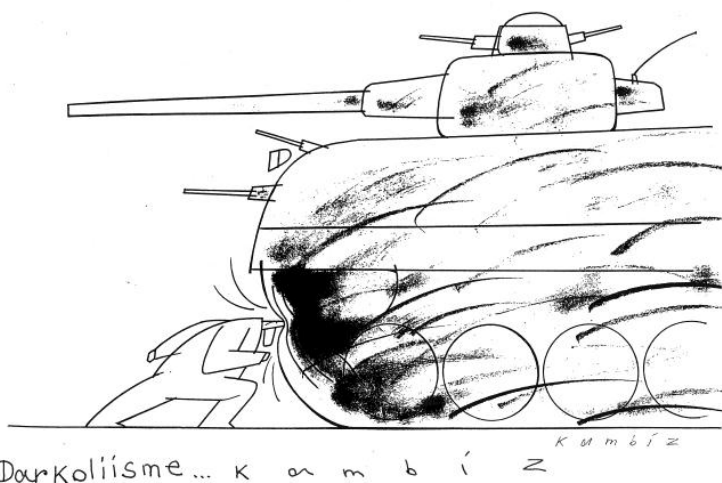
زرتشت، پیشوای ایرانیان گفته است: «راه در جهان یکی است و آن راه راستی است.» جنبش ادبی دارکولی عامل اصلی جنگ‌ها، جنایت‌ها، ظلم‌ها و نابرابری‌های جهان را دوری بشر از راستی می‌داند. اگر مردم با همدیگر راست سخن بگویند بی‌شک جامعه رو به آسایش خواهد رفت. مردم جهان شوربختانه از راستی دور شده‌اند. جنبش ادبی دارکولی تنها راه آسایش جهان را راستی می‌داند و تمامی مسیرهای غیر راستی را بیراهه می‌شناسد. از اینرو نویسندگان این جنبش در آثارشان حقیقت‌های ناگفته مانده را با شجاعت بیان می‌کنند و اهمیت بالای راستی را تبلیغ می‌نمایند. لازم به ذکر است، در این پیمان‌نامه منظور از راستی، رئالیسم‌نویسی نیست! بلکه نویسندگان می‌توانند در قالب داستان‌های سوررئالیستی، سمبلیستی و یا رئالیسم‌جادویی نیز از راستی بنویسند و آن را تبلیغ کنند.

#### ۱۰ - برابری آدم‌ها.

جنبش ادبی دارکولی تمامی انسان‌ها را از نظر حقوق زندگی با هم برابر می‌داند. جنبش ادبی دارکولی از وضعیت ناگوار مردم فقیر جهان به خروش آمده است. چرا در کشورهایی، سطح رفاه بالا و مناسب است، در حالی که روزی هزاران نفر از مردم فقیر جهان از گرسنگی می‌میرند؟! جنبش ادبی دارکولی



کاریکاتور ضد جنگ با موضوع معرفی مکتب ادبی دارکولیسم؛ اثر استاد کامبیز درمبخش، سال ۲۰۱۵ میلادی.



کاریکاتور ضد جنگ با موضوع معرفی مکتب ادبی دارکولیسم؛ اثر استاد کامبیز درمبخش، سال ۲۰۱۶ میلادی.

چندین جایزه بین‌المللی جنبی دیگر بوده و داور مدعو چند نمایشگاه بزرگ بین‌المللی کاریکاتور بود. او همچنین نشان شوالیه را از سفارت فرانسه در آبان ۱۳۹۳ دریافت کرد. او نخستین هنرمند هنرهای تجسمی در ایران است که این جایزه را دریافت کرد.

بسیاری از آثار درم‌بخش به موزه‌های معتبر جهان راه پیدا کرده‌اند. موزه هنرهای معاصر تهران، فرهنگستان هنر خانه صبا، کتابخانه ملی، مان هنر نو، موزه سندیکای گرافیک‌های ایران، موزه آوینیون پاریس، موزه کاریکاتور بازل در سوئیس، موزه کاریکاتور گابروو در بلغارستان، موزه هیروشیما در ژاپن، موزه ضد جنگ یوگسلاوی، موزه کاریکاتور استانبول در ترکیه، موزه کاریکاتور ورشو در لهستان و مجموعه شهرداری شهر فرانکفورت آلمان نمونه این موزه‌ها هستند.

کامبیز درم‌بخش چندین کتاب در زمینه تصویرسازی و کاریکاتور، چاپ و منتشر کرده‌است. بدون شرح، دفتر خاطرات فرشته‌ها، کتاب کامبیز (در ایتالیا منتشر شد)، کتاب‌های مشترک طنزاندیشان امروز ایران، طنزاندیشان امروز ایران در خارج از کشور، میازار موری که دانه کش است، المپیک خنده، سمفونی خطوط، اگر داوینچی مرا دیده بود، نمونه این آثار هستند.

استاد درم‌بخش فعالیت‌هایی در زمینه تبلیغات (طراحی روی جلد کتاب)، تصویرگری کتاب کودک، پوستر، فیلم کوتاه، کارت پستال، تقویم و مشابه آن‌ها



استاد کامبیز درم‌بخش - منبع تصویر: ایرنا.

### آشنایی مختصر با استاد کامبیز درم‌بخش

کامبیز درم‌بخش (۸ خرداد ۱۳۲۱ - ۱۵ آبان ۱۴۰۰) طراح، کاریکاتوریست و گرافیست ایرانی بود. او برنده چندین جایزه بزرگ معتبر جهانی بود و چندین نمایشگاه مستقل از آثارش در کشورهای مختلف جهان برگزار شد. او برادر کیومرث درم‌بخش بود.

کامبیز درم‌بخش در سال ۱۳۲۱ در شیراز زاده شد. او فارغ‌التحصیل هنرستان هنرهای زیبای تهران بود. کامبیز درم‌بخش از ۱۴ سالگی همکاری خود را با نشریات ایرانی از جمله توفیق آغاز کرد و با دیگر مطبوعات ایرانی و خارجی همچون نیویورک تایمز، اشپیگل، نبل اسپالتر کارش را ادامه داد. در مجموع بیش از ۶۰ سال با مطبوعات ایران و جهان همکاری مستمر داشته و مدتی نیز در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، هنر کاریکاتور را آموزش داد.

استاد کامبیز درم‌بخش برنده جایزه از بزرگ‌ترین و معتبرترین مسابقات بین‌المللی کاریکاتور ژاپن، آلمان، ایتالیا، سوئیس، بلژیک، ترکیه، برزیل، یوگسلاوی و





دارد و از سال ۱۳۸۶ به بعد عرصه ساخت پویانمایی نیز شد.

او همراه با پسرش رامین در این زمینه فعال بود که نتیجه این همکاری، ساخت چندین فیلم انیمیشن کوتاه از جمله مجموعه «دلک‌ها» ست.

کامبیز درمبخش بیش از ۵۰ نمایشگاه انفرادی در داخل و خارج از کشور برگزار کرد و در ۱۰۰ نمایشگاه جمعی داخلی و خارجی حضور داشت. از جمله نمایشگاه‌های آثار وی می‌توان به نمایش مجموعه کاریکاتورهای متعلق به سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران اشاره کرد که در سال ۱۳۹۷ به مناسبت هفته کتاب و کتابخوانی، در موزه کتاب و میراث مستند ایران برگزار شد.

در تاریخ پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۷ در مراسم پایانی ششمین «جشنواره بین‌المللی هنر برای صلح»، نشان عالی «هنر برای صلح» به کامبیز درمبخش و ۳ هنرمند دیگر اهداء شد.

استاد کامبیز درمبخش به دلیل ابتلا به ویروس کرونا، از ۱۰ آبان ۱۴۰۰ در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان آتیه تهران بستری شد و ۱۵ آبان ۱۴۰۰ در سن ۷۹ سالگی درگذشت.

منبع: ویکی‌پدیا.



## توضیحات استاد محمدعلی اسلامی ندوشن با موضوع معرفی دار کولیسیسم

به انتخاب سردبیر

ماندگار شود. مکتب ادبی دارکولیسیسم با راهنمایی، نوشتن، گفتن، اجتماع و سخنرانی می تواند مردم را به سوی خود بکشاند. این زحمات هدر نخواهد رفت و نتیجه هایش بزرگ خواهد بود. باید همچنان گام برداشت! نباید نا امید شد! نباید گذاشت این شعله خاموش شود! شعله ای که با خودبینی، خودخواهی، بی اعتنایی به هم نوع و جنگ مقابله می کند. راه این مکتب دشوار اما پیروزی اش امکان پذیر است. پیام من به نویسندگان های پیرو مکتب ادبی دارکولیسیسم این است:

- شما از اینکه یک راه درست در پیش گرفته اید باید قوت قلب و آسایش وجدان داشته باشید. خودتان را رها نکنید که پذیرا هستند یا نیستند. هر کسی پیش از هر چیز باید خودش را قبول داشته و وجدان خود را راضی کرده باشد. این خود بهترین پاداش است که آدم نقداً بدست می آورد - با آرزوی پیروزی برای مکتب ادبی دارکولیسیسم!

محمد علی اسلامی ندوشن

تهران - دهم آذر ماه ۱۳۹۴.

این مطلب خلاصه ی گفت و شنودی است با استاد محمد علی اسلامی ندوشن، در یک جلسه انجام گرفت و مبتنی بود بر این اشاره که جامعه ی امروز نیاز به قانون و اخلاق هردو دارد، و قانون تنها کافی نیست.

مکتب ادبی دارکولیسیسم برنامه ای اخلاقی در نظر دارد که مطرح کرده و مستلزم کوشش گروه جوانی است که دنبال این کار هستند؛ من آرزوی موفقیت برایشان دارم! برای اینکه ایران امروز بیش از هر چیزی احتیاج به اخلاق دارد، تا بنیاد یک جامعه متمدنی و در عین حال سالم بتواند بریزد؛ و قبل از هر چیز وجدان کار و اخلاقیات مورد نیاز آن است که امیدوارم از حرف و آرزو به عمل در آید! مهرورزی مستلزم یک جامعه آگاه و آرام است. شوربختانه دنیای جدید همه چیز را از چشم یک نوع تحول اقتصادی اجتماعی می بیند، تحول اخلاقی کمتر مورد نظرش است. مردم باید با هم و در کنار هم زندگی کنند و این علاوه بر یک اجتماع سالم، نوعی وجدان عمومی و اخلاقیات هم لازم دارد که افراد درواقع با هم رایگان باشند، با محبت به همدیگر نگاه کنند. تنها ادب ظاهری کافی نیست برای این موضوع؛ بلکه یک نوع همدلی و هم فکری درونی هم لازم است که مکتب ادبی دارکولیسیسم برای ترویج و تقویت این نیکی ها گام برمی دارد. این کوشش ها بی تاثیر نیست. البته در بین جنجال های اقتصادی مردم امروز، شاید به کنار رانده شود، اما نباید نا امید شد و می تواند در عرصه زندگی همه تاثیرگذار باشد و



« به نام ایزد توانا »

مکتب ادبی دارکولیبیسم برنامه ای اخلاقی در نظر دارد که مطرح کرده و مستلزم کوشش گروه جوانی است که دنبال این کار هستند؛ من آرزوی موفقیت برایشان دارم! برای اینکه ایران امروز بیش از هر چیزی احتیاج به اخلاق دارد، تا بنیاد یک جامعه متمدنی و در عین حال سالم بتواند بریزد؛ و قبل از هر چیز وجدان کار و اخلاقیات مورد نیاز آن است که امیدوارم از حرف و آرزو به عمل در آید! مهوروزی مستلزم یک جامعه آگاه و آرام است. شوربختانه دنیای جدید همه چیز را از چشم یک نوع تحول اقتصادی اجتماعی می بیند، تحول اخلاقی کمتر مورد نظرش است. مردم باید با هم و در کنار هم زندگی کنند و این علاوه بر یک اجتماع سالم، نوعی وجدان عمومی و اخلاقیات هم لازم دارد که افراد درواقع با هم رایگان باشند، با محبت به همدیگر نگاه کنند. تنها ادب ظاهری کافی نیست برای این موضوع؛ بلکه یک نوع همدلی و هم فکری درونی هم لازم است که مکتب ادبی دارکولیبیسم برای ترویج و تقویت این نیکی ها گام برمی دارد. این کوشش ها بی تاثیر نیست. البته در بین جنجال های اقتصادی مردم امروز، شاید به کنار رانده شود، اما نباید نا امید شد و می تواند در عرصه زندگی همه تاثیرگذار باشد و ماندگار شود. مکتب ادبی دارکولیبیسم با راهنمایی، نوشتن، گفتن، اجتماع و سخنرانی می تواند مردم را به سوی خود بکشانند. این زحمات هدر نخواهد رفت و نتیجه هایش بزرگ خواهد بود. باید همچنان گام برداشت! نباید نا امید شد! نباید گذاشت این شعله خاموش شود! شعله ای که با خودبینی، خودخواهی، بی اعتنائی به همنوع و جنگ مقابله می کند. راه این مکتب دشوار اما پیروزی اش امکان پذیر است. پیام من به نویسندگان پیرو مکتب ادبی دارکولیبیسم این است: - شما از اینکه یک راه درست در پیش گرفته اید باید قوت قلب و آسایش وجدان داشته باشید. خودتان راهنان را پذیرفته و راضی باشید! به نظر دیگران نگاه نکنید که پذیرا هستند یا نیستند. هر کسی پیش از هر چیز باید خودش راه خود را قبول داشته و وجدان خود را راضی کرده باشد. این خود بهترین پاداش است که آدم نقداً بدست می آورد...

با آرزوی پیروزی برای مکتب ادبی دارکولیبیسم!

محمد علی اسلامی ندوشن

تهران - دهم آذر ماه ۱۳۹۴

این مطلب صدقه گشت مندا را است که با...  
 (نام) گشت و گشتی بود بر این نامه که حامی آن در دستگیر تا تیر و دهان  
 می رود و در...  
 ...

محمد علی اسلامی ندوشن

توضیحات و دستخط استاد محمد علی اسلامی ندوشن با موضوع معرفی مکتب ادبی دارکولیبیسم.



## آشنایی با استاد محمدعلی اسلامی ندوشن

به انتخاب سردبیر

محمدعلی اسلامی ندوشن (زاده ۳ شهریور ۱۳۰۳ خورشیدی در ندوشن) شاعر، منتقد، نویسنده، مترجم و پژوهشگر ایرانی است.

## یادمان ها

در ۱۷ آبان ۱۳۹۹ با حضور رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران، شهردار منطقه ۶ و شخصیت‌هایی چون کامیار عابدی، فریدون مجلسی، علی غیائی ندوشن و ... خیابان شاهد سابق مابین خیابان قدس و وصال شیرازی به نام محمدعلی اسلامی ندوشن تغییر یافت و سردیس اسلامی ندوشن نیز در تقاطع این خیابان و خیابان وصال نصب شد. قبل از این نیز میدانی به نام اسلامی ندوشن در زادگاهش ندوشن به نام او شده بود. هم چنین شورای شهر یزد در سال ۹۹ بلواری را در محله صفاییه حدفاصل بلوار شهید قندی و بلوار شهید دشتی به نام دکتر اسلامی ندوشن نامگذاری نمود.

## کتاب شناسی

## تالیف

«گناه» (مجموعه شعر)، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۲۹.

«چشمه» (مجموعه شعر)، تهران: تابان، ۱۳۳۵.

«ایران را از یاد نبریم» (مجموعه مقالات)، تهران: مجله یغما، ۱۳۴۰.

«آبر زمانه و آبر زلف» (نمایش‌نامه)، تهران: راهنمای کتاب، ۱۳۴۲.

«به دنبال سایه همای» (مجموعه مقالات)، تهران: یغما، ۱۳۴۴.

«ایران را از یاد نبریم» (مجموعه مقالات)، تهران: یغما، بی‌تا.

«افسانه و افسون» (داستان)، با نام مستعار م. دیده‌ور، تهران: جوانه، ۱۳۴۵.

«جام جهان‌بین» (مجموعه مقالات ادبی)، تهران: کتابخانه ایرانمهر، ۱۳۴۶.

«زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه»، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.

«داستان داستان‌ها: رستم و اسفندیار در شاهنامه»، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱.

«صفیر سیمرغ» (یادداشت‌های سفر)، تهران: توس، ۱۳۵۲.

«درباره رستم و سهراب بنیاد شاهنامه»، تهران: یغما، ۱۳۵۳.



- «آواها و ایماها» (مجموعه مقالات ادبی)، تهران: توس، ۱۳۵۴.
- «فرهنگ و شبه‌فرهنگ»، تهران: توس، ۱۳۵۴؛ بخش اول کتاب منتشرشده در مجله یغما، ۱۳۴۹.
- «در کشور شوراها: یادداشت‌های سفر اتحاد جماهیر شوروی»، تهران: توس، ۱۳۵۴.
- «درباره آموزش»، تهران: توس، ۱۳۵۶.
- «پنجره‌های بسته» (مجموعه چند داستان)، تهران: توس، ۱۳۵۷.
- «گفتیم و نگفتیم» (مجموعه مقالات)، بی‌جا، ۱۳۵۴؛ تهران: یزدان، ۱۳۶۲.
- «نوشته‌های بی‌سرنوشت»، تهران: جاویدان، ۱۳۵۶.
- «ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم»، تهران: توس، ۱۳۵۷.
- «گفتگوها (مجموعه گفت‌ووشنودها)»، تهران: توس، ۱۳۵۷.
- «دیدن دگرآموز شنیدن دگرآموز (گزیده شعرهای محمد اقبال)»، انتخاب و مقدمه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- «کارنامه سفر چین»، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- «روزها: سرگذشت»، چهار جلد، تهران: یزدان، ۱۳۸۵-۱۳۶۳.
- «ماجرای پایان‌ناپذیر حافظ (نقد ادبی)»، تهران: یزدان، ۱۳۶۸.
- «سخن‌ها را بشنویم» (مجموعه مقالات)، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹.
- «سرو سایه‌فکن: درباره فردوسی و شاهنامه»، با خطاطی غلامحسین امیرخانی، تهران: انجمن خوشنویسان ایران، ۱۳۷۰.
- «ایران، لوک پیر» به‌همراه ترجمه نمایش‌نامه «ایرانیان» آسیخلیوس [آیسخولوس] (آشیل)، تألیف و ترجمه، تهران: پرواز، ۱۳۷۰.
- «تامه نامور: گزیده شاهنامه فردوسی»، انتخاب و توضیح، تهران: سخن، ۱۳۷۰.
- «آویزه سخن‌ها» (افزوده به کتاب «سخن‌ها را بشنویم»)، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۱.
- «آزادی مجسمه» (درباره ایالات متحده امریکا)، تهران: یزدان، ۱۳۷۳.
- «مرزهای ناپیدا» (مجموعه مقالات)، تهران: یزدان، ۱۳۷۶.
- «ایران و یونان در بستر باستان» (ایران، لوک پیر، «ایرانیان» از آسیخلیوس، ایران و یونان به گواهی شاهنامه و ایلیا)، تألیف و ترجمه، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
- «ایران چه حرفی برای گفتن دارد؟»، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
- مثنوی معنوی، مولوی، مقدمه، با خطاطی علی سجادی، تهران: انجمن خوشنویسان ایران، ۱۳۷۹.



«دیروز، امروز، فردا» (مجموعه مقالات مجله هستی)،  
تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.

«گفتن نتوانیم نگفتن نتوانیم»، تهران: شرکت سهامی  
انتشار، ۱۳۹۲.

«دیباچه‌ها: برگرفته از کتاب‌های دکتر محمدعلی  
اسلامی‌ندوشن» به اهتمام حسین مسرت، تهران:  
شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲.

«شهرزاد قصه‌گو»، تهران: شرکت سهامی انتشار،  
[۶].۱۳۹۲

«برگریزان» (مجموعه مقالات)، تهران: یزدان، ۱۳۹۴.  
«سرو سخنگو: تکبیت‌هایی از چهار شاعر بزرگ  
ایران»، گزینش و مقدمه، تهران: یزدان، ۱۳۹۴.

«یاد یاران: نامه‌ها»، تهران: یزدان، ۱۳۹۴

#### ترجمه

«بهترین اشعار هنری لانگ‌فلو»، تهران: سخن، ۱۳۳۷.  
«شور زندگی: ماجرای زندگی ونسان ونگوگ نقاش  
هلندی» (عنوان چاپ اول: سوز زندگی)، ایروینگ استون،  
تهران: سخن، ۱۳۳۸.

«ملال پاریس و برگزیده‌ای از گل‌های بدی»، شارل بودلر،  
تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱.

«عمر خیام»، هارولد لمب، تهران: امیرکبیر، ۱۳۰۰.

«آنتونیوس و کلئوپاترا»، ویلیام شکسپیر، تهران: یزدان،  
۱۳۶۳.

«پیروزی آینده دموکراسی»، توماس مان، جامی، ۱۳۶

«کارنامه چهل‌ساله: گزیده نوشته‌ها در زمینه اجتماع و  
فرهنگ از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۷۷»، تهران: یزدان،  
۱۳۸۰.

«هشدار روزگار و چند مقاله دیگر»، تهران: شرکت  
سهامی انتشار، ۱۳۸۰.

«ناردانه‌ها: گزیده‌ای از رباعی‌های فارسی»، مقدمه،  
انتخاب و توضیح، تهران: نغمه زندگی، ۱۳۸۱.

«چهار سخنگوی وجدان ایران (فردوسی، مولوی،  
سعدی، حافظ)»، تهران: قطره، ۱۳۸۱.

«ایران و جهان از نگاه شاهنامه»، مقدمه، شرح و  
توضیح، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.

«باران نه رگبار: گزارشی از چهل و دو کتاب»، تهران:  
نغمه زندگی، ۱۳۸۲.

«تأمل در حافظ: بررسی هفتادوهفت غزل در ارتباط با  
تاریخ و فرهنگ ایران»، تهران: یزدان، ۱۳۸۲. [۵]

«بازتاب‌ها» (سفرنامه)، تهران: آرمان، ۱۳۸۳.

«یگانگی در چندگانگی»، تهران: آرمان، ۱۳۸۳.

«از رودکی تا بهار: درباره بیست‌ودو شاعر بزرگ  
ایران»، تهران: نغمه زندگی، ۱۳۸۳.

«کلمه‌ها» (کلمات قصار)، تهران: واژه‌آرا، ۱۳۸۷.

«بهار در پاییز: سفینه هفتادوهفت رباعی»، تهران:  
یزدا، ۱۳۸۸.

«راه و بی‌راه» (مجموعه مقالات)، تهران: شرکت  
سهامی انتشار، ۱۳۸۸.